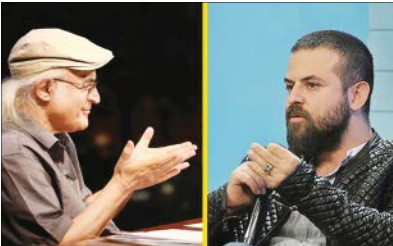


جامانده در سینمای دهه ۵۰!

هفته گذشته، فضای رسانه‌ای سینمای ایران با دو نظر کاملاً متفاوت و متناقض مواجه شد. هومن سیدی در گفت‌وگو با نشریه‌ای آمریکایی، سینمای ایران را مانند ادوار پیشین دارای فراز و فرودهایی توصیف کرد و درعین حال با تاکید گفت که «سینما در ایران زنده است» و ...اما همزمان فریدون جیرانی در قالب نامه‌ای به علیرضا رئیس‌بان، با کلمات و جملاتی متاثر از یاس و افسردگی، سینمای ایران را بحران زده رو به موت برشمرد که جز «به شرط‌ها و شروطها» آینده‌ای نخواهدداشت و به زودی (به تعبیر خودمونی) به ته خط خواهدرسید.



جیرانی با گازراه‌ای بارها گفته شده تحت عنوان تقابل سنت و مدرنیته و ابراز نظری پرتکرار درباره ورشکستگی سینما در دهه ۵۰ءباطیف بندی و طبقاتی کردن جامعه ایران، به‌تئوریزه کردن نتیجه دلخواه خود پرداخته‌است. متن جیرانی بند بندش قابل تحلیل است. مثلاً گرایش پیرامون موقعیت طبقات در ایران کنونی و... که بماند برعهده اهلس. ولی در اینجا به بخشی اشاره می‌شود که به این قلم و حوزه زیستش مربوط می‌شود، از جمله تطبیق شرایط کنونی سینمای ایران با آنچه در میانه دهه ۵۰ بر سینمای ایران رفت. جیرانی همواره در تحلیل ژورنالیستی (و نه عمیقاً پژوهشی) تاریخ سینما و خصوصاً مقطع مورد اشاره، از یک گرایش مهم در هر دو دوره (قبل و حال) غافل است و آن هم نقش دولت (حکومت) در سینمای ایران است.

این امری میرهن است که در دوره جدید دولت با ممنوعیت ورود فیلم خارجی (مد نظر فعلاً درست یا غلط بودن این سیاست نیست) تمام قد در کنار سینمای ایران ایستاده است، درحالی که در دوره قدیم دولت با حمایت از شرکت‌ها و سرمایه داران، حامی ورود بنجل‌ترین آثار خارجی بود تا کمر سینمای ایران زودتر خم شود، که شد.

ورود بی محابای فیلم‌های تقریباً «پورن» غربی از جمله ورود و دوبله همه فیلم‌های «لاندو پوزانکا»ی ایتالیایی و اناری به‌وفور در همین ردیف، جای نفس کشیدن برای فیلمسازان ایرانی باقی نگذاشته بود، طوری که چاره‌ای نداشتند مگر رقابت در عریان نمایی و ساختن فیلم‌هایی که به شکار تماشاگر بپردازند. چنین بود که سال ۱۳۲۵، عضو خانواده هندوها، با دوربین خسرو پرویزی در فیلم «دشمن» میزانشنی در کاباره ساختند که برای اولین بار نوش آفرین در شرایطی خلاف عفت رو به دوربین حرکت می‌کرد و در نمایی استریم کلوز آپ وارد لنز می‌شد، رویکردی که یک سال بعد ایرج قادری را به «مورسخر» رساند و تهیه‌کنندگان سینمای عامه‌پسند پس از این در تکاپوی پیدا کردن گلگی رنگته‌ها بودند تا...

آنچه اکنون بر سینمای ایران حاکم است این‌که دولت از تولید تا نمایش در کنار سینماست تا بر بحران فائق آید، گرایشی کاملاً بر عکس دوره گذشته که دولت در لگدزدن به جنازه سینما هم کوتاهی نمی‌کرد، (موضوع سینمای خاص مورد حمایت دربار تحلیلی دیگر می‌طلبد).

ضمن این‌که در دوران جدید وجود بیش از هزار فیلمساز جوان فعال در سراسر کشور فرصت و ذخیره‌ای است برای تغذیه سینمای بلند تا پس از رشد همه‌جانبه، وارد عرصه حرفه‌ای و در تداوم آن کوچ به تولید در بخش خصوصی، سینما را سرپا نگه دارند.

تدوین فیلم سینمایی «استاد» به‌کارگردانی سیدعماد حسینی و تهیه‌کنندگی بهروز افخمی به پایان رسیده و دیگر مراحل فنی برای آماده‌سازی این اثر ادامه دارد.

تدوین فیلم سینمایی استاد توسط هانیه جلوخانی انجام شد و این اثر که به یکی از موضوعات ملتهب اجتماعی در سال اخیر می‌پردازد، در مراحل فنی قرار دارد.

«استاد» به جشنواره فجر می‌رسد



سید مستفائی گروه فرهنگ و هنر

«میهن» یا Homeland یک سریال معمایی - جاسوسی محصول کمپانی اسرائیلی «گیدئون» بود که پخش آن از ۱۲اکتبر ۲۰۱۱ (۱۱ مهر ۱۳۹۰) آغاز شد و پس از پایان فصل پنجم آن در دسامبر ۲۰۱۵، فصل ششم آن در سال ۲۰۱۷ نمایش داده شد. در سه فصل اول این سریال، ماجرای یک افسر نیروی دریایی آمریکا به نام نیکلاس برودی روایت می‌شد که پس از هشت سال از دست القاعده خلاص شده، ولی براساس یک مغزشویی قرار بود یک سری عملیات انفجاری در آمریکا انجام دهد که یکی از آنها در مقر سیا واقع در لانگلی انجام شد. در همین بین یک افسر عملیاتی سیا به نام کری متیسبن (بابازی کلیر دنس) برودی را تحت‌نظر می‌گیرد. در قسمت ۱۱ از فصل سوم این سریال که ۸ دسامبر ۲۰۱۳ (۱۸ آذر ۱۳۹۲) پخش شد، پس از فراز و نشیب‌های بسیار، سرانجام نیکلاس برودی به ایران فرار کرد و ظاهراً به عنوان مخالف سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا پاناهنده شد اما طی عملیاتی غافلگیرانه و با کمک متیسبن، در هنگام ملاقات با فرمانده سپاه قدس ایران، وی را به قتل رساند. این برای دومین بار بود که در یک فیلم با سریال آمریکایی، یک مسئول رده بالای کشوری که در قید حیات بود، ترور شده و به قتل می‌رسید. اولین بار در فیلم «مرگ رئیس جمهوری» در سال ۲۰۰۶ توسط گابریل رنج بود که درباره ترور و مرگ خیالی جورج دبلیو بوش ساخته شد، در حالی که وی نه‌تنها زنده بود بلکه در آن زمان ریاست جمهوری آمریکا را نیز برعهده داشت. شاید از همین روی بود که فیلم فوق را هیچ‌یک از رزچیره‌های سینمایی آمریکا و اروپا نمایش نداده و اکران آن را تحریم کردند! اما دومین بار در همین سریال میهن یا هوم‌لند، ترور خیالی فرمانده سپاه‌قدس بانفوذ یک افسر مشکوک آمریکایی به تصویر کشیده شد و سریال یادشده به‌ویژه همین قسمت ۱۱ از فصل سوم آن، بارها و بارها در کشورهای مختلف پخش شد. یعنی اهمیت سردار حاج‌قاسم سلیمانی تا آن حد بود که کانون‌های صهیونی ناگزیر شدند همه معیارها و ملاک‌های ظاهری خود را کنار بگذارند و او را که بعنا شخص دوم انقلاب و نظام اسلامی می‌دانستند، ابتداء هدف گلوله‌های رسانه‌ای خود قرار دهند.

فیلم‌هایی که تروریسم را زمینه‌سازی کردند

پس از آن نیز فیلم‌هایی به‌خصوص مستند درباره این سردار رشید سپاه اسلام ساخته شد که تقریباً در همه آنها، نظامیان و سیاستمداران غربی و حتی دشمنان تاریخی این ملت، ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی را تشویح و در واقع خطر عاجل و عن‌قریب او برای منافع غرب، به‌طور دائم، گوشزد می‌کردند.

مثلاً جملاتی که در زیر می‌خوانید، بخشی از یک فیلم مستند است که در سال ۲۰۱۸ و ماه‌های پیش از شهادت سردار، درباره او از کانال ۱۱ تلویزیون رژیم اشغالگر قدس پخش شد: «... سلیمانی کسی است که سال‌ها مارا تحت نظر داشته و در مقابل چشمان مان شاهد پیشرفتش بودیم، در خیلی از نقاط دنیا برای مان باعث درس‌های زیادی بوده ... در نیمه دوم از دهه ۲۰ سالگی اش او فرمانده لشکر بود، از درجات پایین‌تر رشد پیدا کرد، او یک جنگجوی خیلی دلیر به شمار می‌آید و به عنوان یک جنگجو در جنگ ایران و عراق مورد تحسین بوده...»

در همان فیلم مستند، رئیس بخش تحقیقات موساد درباره سردار سلیمانی می‌گوید: «... تا اوایل دهه ۲۰۰۰ او شخصی ناشناخته بود، واضح بود که فردی در سایه بود که شکوفا شد و به مقامی بالا رسید اما مشخص نبود که او چه کسی است. اولین باری که سلیمانی به عنوان یک قهرمان ملی پدیدار شد، بعد از این بود که کنگره آمریکا میاحتانی برگزار کرد و یک عضو کنگره به‌پشتند ترور سلیمانی را مطرح کرد، بعد از آن صداهایرانی کمپین‌های شبکه‌های اجتماعی حمایت از سلیمانی راه انداختند... قاسم سلیمانی حتی در جنبه سیاسی هم قوی است. او از رئیس جمهور ایرانی ها قوی تر است، در حالی که اصلاً به این مقام نیازی ندارد. او مرد عمل، نفوذ و اجرا است و نمی‌شود از او چشم‌پوشی کرد...»

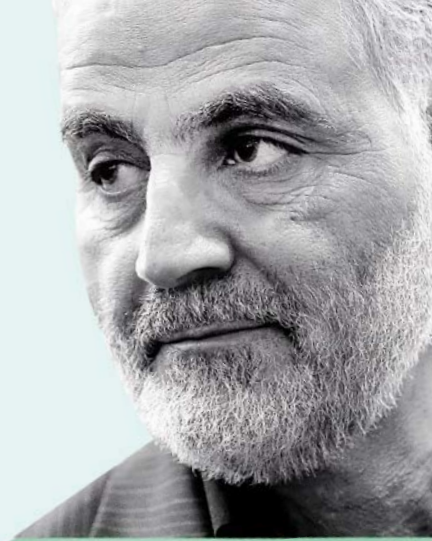
در امثال چنین فیلم‌های مستندی، با نمایش صحنه‌هایی از حضور سردار سلیمانی در جبهه‌ها و ویژگی‌های رزمی و فرماندهی او، تلاش

فیلمنامه این اثر را پیام لاریان و عماد حسینی نوشته‌اند و محمدحسین مهدویان به‌عنوان مشاور کارگردان این پروژه را همراهی کرده است. حسن معجونی و هدیه حسینی‌نژاد همراه با سجاد بابایی نقش‌های اصلی این فیلم را ایفا کرده‌اند. حوریه مقدم و مهدی ابوحزمه دیگر بازیگران این فیلم هستند.

با توجه به آماده شدن این فیلم، می‌توان فیلم استاد را یکی

نیروهایش، بیشتر از یک فرمانده است. او یک افسانه زنده است...» سرهنگ بازنشسته دکتر شائول شای، رئیس «موسسه سیاست و استراتژی هرتملیا» نیز در همان فیلم مستند کانال ۲ تلویزیون رژیم اشغالگر قدس، فرماندهی سردار سلیمانی را چنین توضیح داد: «... او فرمانده‌ای نیست که در دفترش در تهران بنشیند و از آنجا عملیات را مدیریت کند، به‌خط مقدم نیرد می‌آید و در همه جا با نیروهایش، همراه و یکی است. می‌گویند او هرگز حلیقه ضدگلوله نمی‌پوشد، همواره در معرض دید است و شجاعت و جسارتش را همه مشاهده می‌کنند...» همچنین سرهنگ دوم بازنشسته میخایل ساگال، رئیس سابق میز ایران در امان (سرویس اطلاعات نظامی) از خصوصیات سردار اینچنین نقل کرد: «... با وجودی که او به عنوان یک جنگجو و یک آدم سرسخت تصور می‌شود اما به مراسم عزاداری و تشییع جنازه یارانش می‌رود و اشک می‌ریزد. یکی از مشخصه‌های منحصر به فردش این است که ارتباط گسترده‌ای با خانواده شهدا و جانبازان دارد...»

حییم تومر از این‌که سردار سلیمانی با یوتین، رئیس‌جمهور روسیه ملاقات و مذاکره کرده، اظهار تعجب



برش

فیلم‌های مستقل پس از شهادت سردار

اما پس از ترور ناجوانمردانه و شهادت مظلومانه سردار سلیمانی،

دیگر تولید فیلم به‌خصوص آثار مستند از سوی کانون‌های یادشده پایان یافت. از این پس فیلم‌های مستندی از سوی محافل مستقل ساخته شدند که در آنها بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان از ویژگی‌های سردار شهید گفتند و به محکوم ساختن دولت‌های تروریست همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی پرداختند. ازجمله در یک فیلم مستند استیون کینزر، نویسنده معروف نیویورک تایمز، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه بوستون و مولف کتاب مشهور «همه مردان شاه» درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در یک مصاحبه درباره نقش سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی (جمعیت یکپارچه فریاد می‌زند، خیر) آیا آنها در کردار و پاکلمبیا ویا فلوریدا بودند؟ (مجدداً جمعیت همگی فریاد می‌زنند، خیر) پس آنها کجا بودند؟ آنها در عراق بودند. ما چه غلطی در عراق می‌کنیم؟ چه کسی از شما خواست که آنجا بروید؟ سریازان آمریکایی چند نفر از عراقی‌ها را کشتند؟ ده‌ها هزار نفر... این مرد (قاسم سلیمانی) تروریست نبود. او با ارتش اشغالگر ایران نبرد می‌کرد که سرزمین عراق را تصرف کرده بود. او به عنوان برادر عراقی‌ها از ایران تلاش می‌کرد تا آنان را از شر یک ارتش اشغالگر خلاص کند...»



از آثاری دانست که می‌تواند در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآید. عوامل اصلی فیلم سینمایی استاد عبارتند از: مدیر فیلمبرداری، مجید یزدانی، مدیر صداپرداری، احسان خزایی، طراح چهره‌پردازی، تینا بخشی، طراح صحنه و لباس: مریم میریاقری، مدیر تولید: حسین زرقام، تدوین: هانیه جلوخانی، جلوه‌های ویژه کامپیوتری: هادی اسلامی، مدیر هنری: مهدی دویی.

«جام جم» به بهانه سالگرد شهادت سردار حاج‌قاسم سلیمانی بررسی می‌کند

سینما زمینه‌ساز عملیات تروریستی

نکرده و گفت: «... سلیمانی یک فرد است، یک نماینده شخصی در زمینه امنیتی/سیاسی است که (آیتا...) خامنه‌ای به او تکیه می‌کند، به او اعتماد دارد. (آیتا...) خامنه‌ای توانمندی‌های او را می‌شناسد. هیچ‌کس در ایران شایسته‌تر از او نیست که با یوتین صحبت کند، تحریم‌ها را بشکند و سلاح روسی به ایران بیاورد، چراکه این موضوع از هر مسأله دیگری امنیتی تر است...»

بی‌بی‌سی هم به میدان آمد

البته قطعاً دشمنان تاریخی این ملت و سرزمین هرگز قصد نداشتند اینچنین به تحسین و تجلیل از سرداری رشید، سربازی با ایمان و مردی همیشه در میدان به نام حاج‌قاسم سلیمانی اذعان کنند، بلکه تنها هراس بی‌پایان آنها از حضور چنین فرماندهی در جبهه‌های نبرد بود که زبان آنها را این چنین به اعتراف گشوده بود. در سال ۲۰۱۸ (یک سال و نیم پیش از شهادت سردار)، تلویزیون بی‌بی‌سی (رسانه سلطنتی بریتانیا) نیز فیلم مستندی درباره سردار حاج‌قاسم سلیمانی تولید کرد که در بخشی از آن، یکی از فرماندهان آمریکایی در عراق، خصوصیات سردار را اینچنین تشریح داد: «... او یک مرد خیلی مرتب و منظم، مردی توانا که فرماندهی عمیقاً در او مشخص است و یک حرفه‌ای به نظر می‌آید. چگونه یک سرباز جوان که ۲۵ سال دارد و بدون لباس ضدگلوله در یک گروه شبه‌نظامی می‌جنگد، می‌تواند تلاشی را مضاغف نکند، وقتی فرمانده گروه، هم‌سن و پیردگر اوست و زیر شلیک رگبار گلوله‌ها با یک پیراهن در میدان نبرد حضور داشته؟ این یک پیام الهام‌آمیز دارد که این مرد (سلیمانی) شجاع است و باید از او پیروی کند. عمیقاً معتقدم یک احساسی برای شخصیتی مثل او وجود دارد که او به دنبال تقدیر خودش است و اگر کشته شود، کشته شده. آنها یک نگاه متفاوتی به این موضوع دارند. این‌که در حال انجام یک ماموریت و تکلیفی هستند... می‌توانند سندی دیگری که شبکه بی‌بی‌سی درباره سردار شهید ساخت در برنامه «چشم‌انداز نو» در سال ۲۰۱۸ و پیش از شهادت حاج‌قاسم پخش شد ... در این فیلم مستند، کارشناس انستیتو سلطنتی بریتانیا در گفت‌وگویی اعلام کرد: «... (سلیمانی) یک شخصیت توانمند، جذاب، با مهارت... سربازان و سیاستمداران وقتی اسم او برده می‌شود، رنگ‌شان می‌پرد... قدرت او از جایی می‌آید که مستقیماً با او دحدها در ارتباط است. او ترسی ندارد که به عراق و سوریه سفر کند و با سیاستمداران عراقی دیدار داشته باشد. او به شدت در فضای سیاسی و نظامی تأثیرگذار است...»

گوینده مستند بی‌بی‌سی با نمایش تصویر سردار شهید ادامه داد: «... مغز متفکر نظامی ایران حالا در مرکز اتفاقات جهان است...» تمامی این فیلم‌های مستند از سوی کانون‌ها و محافل معلوم الحال ساخته شدند تا به نیروهای تروریستی و حامیان آمریکایی و صهیونیستی آنها هشدار دهند که با چه دشمن سرسخت، هوشمند و توانایی روبه‌رو هستند تا هرچه سریع‌تر برای نابودی این دشمن مقاوم فکری کنند. در اینجا بود که شاید برای اولین بار فیلم و سینما اعم از مستند و داستانی در خدمت سیاست و عملیات تروریستی‌ای قرار داده شده که از نظر کانون‌های صهیونی بایستی در آینده صورت می‌گرفت.

نسخه انتقام از سوی فرماندهان آمریکایی

اما ژنرال دیوید پترائوس (فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق و رئیس سابق سازمان سیا) تحسین فوق‌العاده‌ای از سردار شهید به عمل آورد و او را به لحاظ نظامی برابر با چهار فرمانده نظامی و امنیتی اصلی آمریکا دانست. او در فیلم مستندی که از شبکه ۱۱ رژیم اشغالگر قدس پخش گردید، گفت: «... قاسم سلیمانی نقشی معادل رئیس سازمان سیا و رئیس فرماندهی مرکزی آمریکا و رئیس فرماندهی مشترک عملیات ویژه و فرستاده ویژه منطقه‌ای داشت... همین یک نفر معادل همه آنها بود...» یعنی اگر ایران می‌خواست، ترور سردار شهیدش را تلافی کند و از دیدگاه فرمانده ارشد آمریکایی، انتقامی معادل آن بگیرد، بایستی حداقل چهار نفر از فرماندهان رده بالا و اصلی نظامی/امنیتی آمریکایی را مجازات می‌کرد.

گیشه

اکران رایگان «قرار روز شانزدهم»

فیلم مستند داستانی «قرار روز شانزدهم» همزمان با فرا رسیدن سالروز شهادت شهید سردار قاسم سلیمانی در سینماهای منتخب گروه سینمایی هنر و تجربه به نمایش در می‌آید.

این فیلم به کارگردانی سیدمحمد احسان اصغرآده موسوی و تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی امروز دوشنبه ۱۲ دی ساعت ۱۸ در سینماهای هنروتجربه در سراسر کشور روی پرده می‌رود و تماشای این فیلم رایگان است و نیاز به خرید بلیت ندارد.

فیلم قرار روز شانزدهم روایتی از حضور شهادت‌طلبانه یکی از مدافعان حرم و شاگردان مکتب شهید حاج‌قاسم سلیمانی به نام محمدحسین محمدخانی معروف به عمار است. شهید محمدخانی در حالی که فقط ۳۰ سال داشت، ۱۶ آبان ۱۳۹۴ در حلب سوریه به شهادت رسید. علاقه‌مندان می‌توانند در سینماهای گروه هنروتجربه در تهران (چارسو، فرهنگ، نارسیس، کورش، موزه سینما) به تماشای این فیلم بنشینند.

فیلم کوتاه

«مهمان ناخوانده» سرمایه داری را نقد می‌کند

تصویربرداری فیلم کوتاه «مهمان ناخوانده» به‌کارگردانی مرضیه‌فخار و تهیه‌کنندگی مسلم سالاری به پایان رسید، در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «زن و شوهر ثروتمندی تصمیم دارند تولد دختر کوچک‌شان را جشن بگیرند. پدر خانواده، دختر را از خانه بیرون می‌برد تا مادر، برادر و دوستانش خانه را برای جشن آماده کنند. زمانی که ظاهر همه چیز آماده است و همگی در خاموشی منتظر ورود پدر و دختر هستند، همگی با ورود غریبه‌ای به خانه غافلگیر می‌شوند!» فیلم مهمان ناخوانده در مدت زمان ۳۰ دقیقه به نقد سیستم سرمایه داری و بورژوازی می‌پردازد و تفکر استعماری و استعماری و قدرت پول و سرمایه را به نمایش می‌گذارد.

محمد خاتون‌آباد، جلیل صمدیان، فاطمه قرزین، فوزان حمیدپور، عطیه شاهب، سوگند سیدیوسف، اندیا رضایی، امیر عینی، سام غرب یارمحمدی، آوش محمددوست و آلیین ایمانی در این فیلم کوتاه به ایفای نقش پرداخته‌اند. مرضیه‌فخار از سال ۸۶ در رادیو، تلویزیون و سینما به عنوان نویسنده، گوینده، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز فعالیت داشته و پس از چند سال تدریس در حوزه فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی، ساخت چند فیلم کوتاه از جمله فیلم «تی‌تی»، «اکنون تازه‌ترین فیلمش را با عنوان مهمان ناخوانده ساخته است.



بانوی مدرس بازیگری

امروز ۱۲ دی‌ماه سالروز درگذشت مهین اسکویی، یکی از نخستین زنان هنرمند پیشگام در ایران بود که علاوه بر کارگردانی، نقش مهمی در پرورش بازیگران تئاتر و سینمای ایران داشت. مهین اسکویی با نام خانوادگی عباس طاقانی، زاده اسفند سال ۱۳۰۹ است. او شاگرد عبدالحسین نوشین بود و زیر نظر او برای اولین بار روی صحنه تئاتر رفت. اسکویی پس از ازدواج با مصطفی اسکویی گروه تئاتر آناهیتا را پایه‌گذاری کردند و علاوه بر اجرای نمایش‌های مختلف جمعی از بازیگران سینما و تئاتر ایران از جمله، جعفر والی، مهین شهابی، مهدی فتحی، سیروس ابراهیم زاده، ولی شیراندازی و ... را پرورش دادند. مهین اسکویی با ترجمه سه کتاب استانیسلاوسکی «کار هنرپیشه روی نقش»، «کار هنرپیشه روی خود در جریان تجسم» و «کار هنرپیشه روی خود در جریان تئاتر» نقش بسیاری در آموزش بازیگری داشت.



امادسازی هنرپیشه (از هنرمندانی که در ایران تئاتر را)